

#### گزارش خبری

امام سجاد علیه السلام با استفاده از ابزارهای مختلف، از جمله دعا، به تبیین جایگاه امامت و رهبری پرداخت. یکی از نمونه‌های بارز این تبیین، دعای روز عرفه است که در آن، حضرت پس از بیان معارف توحیدی، به تبیین جایگاه امامت و رهبری می‌پردازد.

در فرازهایی از دعای ۴۸ صحیفه سجادیه، امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلُقَائِكَ وَأَصْفِيَائِكَ وَمَوَاضِعَ أَمَنَاتِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا قَدْ اثْبَرُوهَا وَأَنْتَ الْمُقَدِّرُ لِدَلِّكَ لَا يَغَالِبُ أَمْرُكَ وَلَا يُجَاوِزُ الْمُخْتَوِّمَ مِنْ تَذْيِيرِكَ كُنْفَ شَيْئٍ وَأَنْتَ شَيْئٌ وَلَمَّا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ غَيْثُ مَتَّهِمْ عَلَى خَلْقِكَ وَلَا لِإِرَادَتِكَ حَتَّى عَادَ صِفْوَتُكَ وَخُلُقَاؤُكَ مَغْلُوبِينَ مَقْهُورِينَ مُبْتَرِئِينَ، يَزُونَ حُكْمَكَ مُبَدِّلًا، وَكِتَابَكَ مَنبُودًا وَفَرَائِضَكَ مُحَرَّفَةً عَنْ جِهَاتٍ أَشْرَاعِكَ وَشَسَنَ نَبِيَّكَ مَثْرُوكَةً.»

این فرازا به‌وضوح نشان می‌دهد که امام سجاد علیه السلام در شرایط سخت و خفقان‌آور، از تبیین جایگاه امامت و رهبری غافل نبوده‌اند. حضرت با بیان این حقایق، هم به تبیین جایگاه امامت پرداخته‌اند و هم از آن دفاع کرده‌اند.

اهمیت این مسأله این است که ما نیز در زمانه خود، نباید از تبیین و دفاع از جایگاه امامت و رهبری غافل شویم. همان‌طور که امیرالمؤمنین امام علی و امام سجاد علیه السلام در شرایط سخت به این مسئولیت عمل کردند، ما نیز باید در شرایط کنونی، با استفاده از ابزارهای مختلف، به تبیین و دفاع از جایگاه امامت و رهبری بپردازیم. این جهاد تبیین، نه‌تنها یک وظیفه دینی، بلکه یک ضرورت تاریخی است که باید با تمام توان به آن پرداخت.

بحثی که مطرح شد، به‌واقع یکی از مصادیق مهم تبیین جایگاه ولایت فقیه و مسئولیت‌های مرتبط با آن در فقه شیعه است. علمای بزرگ ما در طول تاریخ، همواره به این مسأله توجه داشته‌اند و در لایه‌ای مباحث فقهی خود، به جایگاه ولایت معصوم علیه السلام و نمایندگان او اشاره کرده‌اند. این مسأله به‌ویژه در دوران معاصر و پس از تحقق نظام جمهوری اسلامی ایران، اهمیت بیشتری یافته است.

آیت‌الله سید محمدکاظم طباطبایی یزدی رحمته الله علیه، صاحب‌کتاب ارزشمند «عروة الوثقی»، در بحث زکات کافر، به‌طور ضمنی به مسأله ولایت فقیه اشاره می‌کند. ایشان می‌فرمایند:

«الكافر تجب عليه الزكاة وإن لم تصخ منه لو أذاه، نعم للإمام عليه السلام أو نائبه أخذهامنه قهراً، بل يقوى أن له أخذ عوضهامنه لو كان قد أثلغها، نعم لو أسلم بعد ما وجبت عليه سقطت عنه وإن كانت العين موجودة على إشكال، هذا إذا بقي على كفره إلى تمام الحول، وأما لو أسلم قبله ولو بلحظة فالظاهر وجوب الزكاة عليه.» در این بیان، مرحوم صاحب عروه، به‌وضوح به جایگاه امام معصوم علیه السلام و نائب او اشاره می‌کند و مسئولیت گرفتن زکات از کافر را به امام یا نائب او واگذار می‌کند. این نائب، در زمان غیبت، فقیه جامع‌الشرایط است که عهده‌دار ولایت و رهبری جامعه اسلامی است. این مسأله، به‌طور غیرمستقیم، به بحث ولایت فقیه و جایگاه آن در فقه شیعه اشاره دارد.

##### اهمیت ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی

پس از پیروزی انقلاب و تحقق نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس ولایت فقیه، این مسأله از یک بحث فقهی صرف، به یک مسأله عملی و اجرایی تبدیل شد. ولایت فقیه، به‌عنوان نماینده امام معصوم علیه السلام در عصر غیبت، عهده‌دار مسئولیت‌های سنگینی در اداره جامعه اسلامی است. این مسئولیت‌ها شامل حفظ نظام اسلامی، اجرای قوانین شرع، دفاع از کیان اسلام و مسلمین و هدایت جامعه به سوی سعادت و رستگاری است.

در این شرایط، دفاع از انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، یک وظیفه دینی و الهی است؛ همان‌طور که علما و فقهای بزرگ ما در طول تاریخ، به تبیین و دفاع از جایگاه ولایت فقیه پرداخته‌اند، امروز نیز بر همه ما واجب است که از این نظام و رهبری آن دفاع کنیم. این دفاع، تنها به‌معنای حمایت سیاسی نیست؛ بلکه شامل: تبیین مبانی فکری و اعتقادی نظام، مقابله با تحریف‌ها و شبهات و تلاش برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی است.

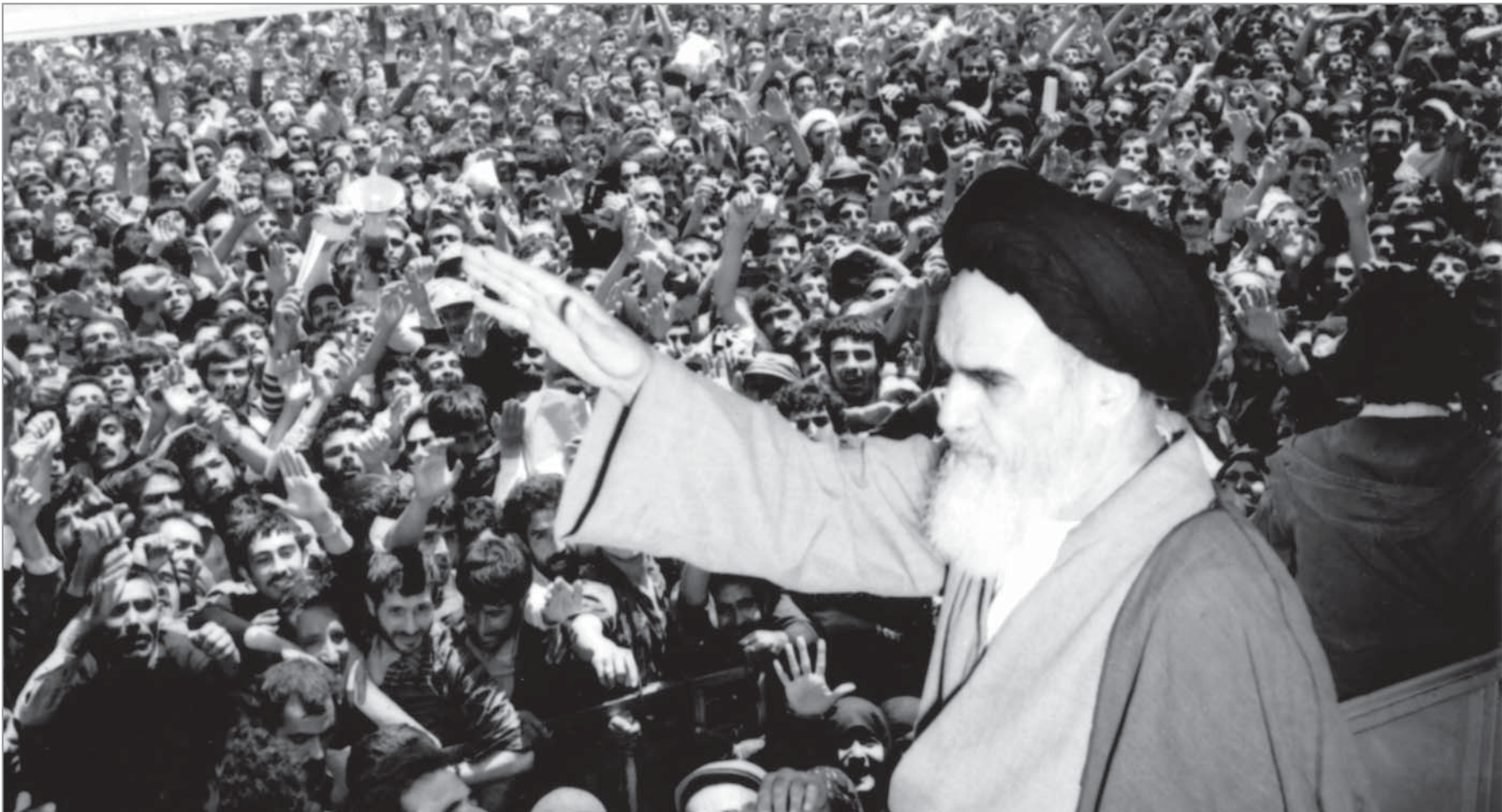
با توجه به مقدماتی که بیان شد، می‌توان به این نتیجه رسید که پذیرش جامعیت دین و تحقق عملی آن در قالب نظام جمهوری اسلامی براساس ولایت فقیه، یک دستاورد بزرگ و بی‌نظیر در تاریخ اسلام است. حتی اگر ما در تشکیل این نظام دخالت مستقیم نداشته‌ایم یا اگر در گذشته نظریه ولایت فقیه به این شکل مطرح نبوده است، اکنون که این نظام تحقق یافته، حفظ، تبیین و دفاع از آن، یک وظیفه دینی و الهی است.

##### اهمیت حفظ و تبیین نظام ولایت فقیه

نظام ولایت فقیه، به‌عنوان تجلی عملی حکومت اسلامی در عصر غیبت، تنها یک نظام سیاسی نیست؛ بلکه نظامی است که بر اساس قوانین الهی و با هدف تحقق عدالت، امنیت و سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها شکل گرفته است. در مقابل، حاکمیت‌های ظلم و ستمی که در جهان وجود دارند، هیچ پای‌بندی به اصول اخلاقی و دینی ندارند و تنها به دنبال منافع مادی و سلطه‌طلبی هستند. هرکس که کمی از اوضاع جهان آگاه باشد و شرایط کشورهای مختلف را با نظام جمهوری اسلامی مقایسه کند، به اهمیت حفظ این نظام پی می‌برد.

##### مشکلات و چالش‌ها در جهاد تبیین

در مسیر تبیین و دفاع از نظام ولایت فقیه، طبیعی است که با مشکلات و چالش‌هایی روبه‌رو شویم. برخی از این مشکلات ممکن است، ناشی از کاستی‌ها یا اشتباهات در اجرای قوانین و برخی دیگر، ناشی از تبلیغات منفی دشمنان باشد. در چنین شرایطی، باید به‌طور دقیق و منصفانه به بررسی این مشکلات پرداخت و راه‌حل‌های مناسب را ارائه کرد؛ اما نکته مهم این است که نباید اجازه داد، این مشکلات، اصل نظام و جایگاه ولایت فقیه را زیر سؤال ببرد.



## وظیفه علما و طلاب در تبیین مبانی انقلاب اسلامی

## و مقابله با تحریف حقایق تاریخی

گفت‌وگو با آیت‌الله محمدباقر تحریری، استاد سطح عالی حوزه و تولیت مدرسه مروی

انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تحولات تاریخ معاصر، نه‌تنها یک جنبش سیاسی، بلکه حرکتی الهی و مبتنی بر ارزش‌های دینی و اخلاقی بود. این انقلاب با رهبری حضرت امام خمینی رحمته الله علیه و حمایت مردمی، توانست نظامی را پایه‌ریزی کند که در آن، اخلاق و معنویت در کنار سیاست و مدیریت جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد؛ اما امروز، پس از گذشت بیش از چهاردهه از پیروزی انقلاب، یکی از چالش‌های پیش رو، تبیین درست مبانی این انقلاب و مقابله با تحریف‌هایی است که توسط دشمنان و حتی برخی از دوستان ناآگاه صورت می‌گیرد. در این میان، نقش علما و طلاب به‌عنوان میراث‌داران معارف دینی و انقلابی، بسیار حیاتی است. آن‌ها نه‌تنها مسئولیت تبیین حقایق تاریخی و ارزش‌های انقلاب را بر عهده دارند؛ بلکه باید با روشنگری و آگاهی‌بخشی، نسل جدید را با روحیه انقلابی و آرمان‌های اسلامی آشنا کنند. این گفت‌وگو با آیت‌الله محمدباقر تحریری، استاد سطح عالی حوزه و تولیت مدرسه مروی، به بررسی این مسئولیت خطیر و راهکارهای تقویت روحیه انقلابی در نسل جوان می‌پردازد و به دنبال آن است که راهکارهای عملی برای تبیین حقایق انقلاب و تقویت روحیه انقلابی در نسل جدید ارائه دهد.

#### ه وظیفه علما و طلاب در تبیین مبانی انقلاب اسلامی و مقابله با تحریف حقایق تاریخی انقلاب چیست؟

وظیفه علما و طلاب در تبیین مبانی انقلاب اسلامی و مقابله با تحریف حقایق تاریخی انقلاب، مسأله‌ای است که ریشه در آموزه‌های دینی و قرآنی دارد. اسلام به‌طور ویژه بر تبیین حقایق دینی و روشنگری در عرصه‌های مختلف تأکید کرده است. قرآن کریم با بیان آغاز می‌شود: ﴿هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ﴾؛ (ال عمران، ۱۳۸) (بن آیات حجت و بیانی است برای عموم مردم). وظیفه اولیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز همین بود که قرآن را برای مردم بیان کند و حقایق آن را روشن سازد.

هر سیستم فکری که وارد جامعه می‌شود، نیازمند آن است که ابعاد جهان‌بینی، ایدئولوژی و عملکرد آن به‌درستی تبیین شود تا مردم بتوانند، از آن پیروی کنند. طبیعی است که هر سیستم فکری خود را حق می‌داند و ما نیز به‌عنوان مسلمان معتقدیم که قرآن حق است و از جانب خدای متعال نازل شده است؛ بنابراین تبیین آن ضروری است. قرآن می‌فرماید: ﴿وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾؛ (نحل، ۲۴) و ما این ذکر [قرآن] را به سوی تو نازل کردیم تا برای مردم آنچه را به سوی آن‌ها نازل شده است، بیان کنی.

در همین راستا، تا مسأله «تبیین» مطرح نشود، «دعوت» نیز معنایی نخواهد داشت. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾؛ (نحل، ۱۲۵). این آیات شریفه راه را برای پاسخ به این سؤال روشن می‌کنند که کسانی که به حقانیت دین اعتقاد دارند، پس از رسیدن به آن، موظف هستند در حد توان خود، آن را به دیگران برسانند و تبیین کنند.

نکته دوم این است که علما و فضایی که عهده‌دار مسئولیت تبیین معارف دینی شده‌اند، در مرحله اول باید خودشان به درک عمیق و روشنی از این معارف برسند. این درک و شناخت، پیش‌نیاز ضروری برای انتقال صحیح و مؤثر این معارف به دیگران است؛ همان‌طور که نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله از جانب خدای متعال ما‌مور به تبیین معارف دینی بود و تنها وظیفه‌اش «لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ» (برای مردم تبیین کنی) بود، علما و طلاب نیز باید پس از فهم دقیق معارف دینی، آن‌ها را به‌شیوه‌ای مناسب به دیگران انتقال دهند. این مسئولیت در طول تاریخ اسلام، همواره بر عهده علما و فضای دینی بوده است. در زمان ائمه معصومین علیهم السلام و پس از آن، گروهی از علما عهده‌دار تبیین معارف حکمی و اعتقادی بودند. این معارف که شامل ابعاد عمیق فلسفی، عرفانی و کلامی دین می‌شود، نیازمند درک و تبیینی دقیق و روشن است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾؛ با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن. این آیه شریفه به‌طور خاص خطاب به کسانی است که عهده‌دار تبیین معارف حکمی و اعتقادی هستند و باید از روش‌های حکیمانه و موعظه‌های نیکو برای انتقال این معارف استفاده کنند.



#### پذیرش جامعیت دین و تحقق عملی آن

##### در قالب نظام جمهوری اسلامی بر اساس ولایت فقیه

یک دستاورد بزرگ و بی‌نظیر در تاریخ اسلام است.

حتی اگر ما در تشکیل این نظام دخالت مستقیم نداشته‌ایم

##### یا اگر در گذشته نظریه ولایت فقیه به این شکل

##### مطرح نبوده است، اکنون که این نظام تحقق یافته

حفظ، تبیین و دفاع از آن، یک وظیفه دینی و الهی است.

از سوی دیگر، بخشی از تبیین معارف دینی نیازمند مجادله و بحث با مخالفان و منتقدان است. قرآن در این زمینه می‌فرماید: ﴿وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾؛ و با آنان به روشی که نیکوتر است، مجادله نما. این آیه اشاره به این دارد که در مواجهه با کسانی که ممکن است با معارف دینی مخالفت کنند یا سؤالات و شبهاتی داشته باشند، باید با روشی محترمانه، منطقی و مبتنی بر استدلال‌های قوی پاسخ داد. این نوع تبیین، نیازمند تسلط بر علوم دینی، قدرت استدلال و توانایی برقراری ارتباط مؤثر با مخاطبان است.

غرض این است که پس از انقلاب اسلامی، وظیفه علما در تبیین معارف دینی و انقلابی به‌طور چشم‌گیری افزایش یافته است. پیش از انقلاب، توجه به دین، بیشتر جنبه فردی داشت و مسائل اعتقادی، اخلاقی و عملی در حد روابط شخصی و اجتماعی مورد توجه بود؛ حتی مسائل اقتصادی و اجتماعی نیز اگرچه در چارچوب شرع مطرح می‌شد، اما در سطح کلان و به‌عنوان یک سیستم حکومتی مبتنی بر قوانین شرع، اجرا نمی‌شد. با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی در قالب جمهوری اسلامی، این مسأله به‌طور کامل دگرگون شد.

انقلاب اسلامی ایران، نه‌تنها یک تحول سیاسی، بلکه یک تحول الهی و دینی بود که هدف آن ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر پیاده‌کردن قوانین اسلام در تمامی ابعاد زندگی بود. این امر، وظیفه علما و طلاب

را در تبیین معارف دینی و انقلابی به‌طور قابل توجهی گسترش داد.

حالا دیگر دین، تنها به حوزه‌های فردی و اخلاقی محدود نیست؛ بلکه به حوزه‌های کلان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز وارد شده است.

در اینجا لازم است، به یک نکته مهم اشاره کنیم: نبی اکرم صلی الله علیه و آله قبل از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، وظایفی داشتند که بیشتر حول محور تبلیغ دین و هدایت افراد بود؛ اما پس از تشکیل حکومت اسلامی، وظایف ایشان گسترده‌تر شد. حالا دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله نه‌تنها مسئول تبلیغ دین، بلکه مسئول اداره جامعه، تنظیم روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر اساس قوانین الهی بود. این مسئولیت‌ها پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله به‌طور ناعادلانه از ائمه معصومین علیهم السلام گرفته شد؛ اما اهل‌بیت علیهم السلام هرگز از وظایف خود غافل نشدند. آن‌ها در عین حال که به تبلیغ معارف دینی و هدایت مردم ادامه می‌دادند، از بیان حاکمیت حقیقی الهی و ظلم‌هایی که بر آنان روا داشته شده بود، غافل نبودند. این همان «جهاد تبیین» است که در شرایط مختلف، وجوب پیدا می‌کند.

غرض این است که جایگاه امامت و رهبری در اسلام، جایگاهی است که هم تبیین نیاز دارد و هم دفاع. این جایگاه، اساس حکومت الهی است و اگر مغفول بماند یا مورد تحریف قرار گیرد، کل نظام دینی و اجتماعی اسلام دچار اختلال می‌شود. امیرالمؤمنین علی علیه السلام پس از رسیدن به خلافت، با وظایف سنگینی روبه‌رو شد

که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، تبیین و دفاع از جایگاه امامت و رهبری بود. حضرت در طول دوران خلافت خود، همواره به این مسأله توجه داشت و در جای‌جای سخنان خود، از جایگاه امامت و رهبری دفاع کرد.

حضرت امام علی علیه السلام در مواجهه با کسانی مانند طلحه و زبیر که با انحراف از مسیر حق، به مقابله با حکومت علوی برخاستند، به‌طور صریح و گاه کنایی، جایگاه امامت و رهبری را تبیین و از آن دفاع کرد. این دفاع، تنها یک دفاع سیاسی نبود؛ بلکه دفاع از اساس دین و نظام الهی بود. حضرت در خطبه‌ها و نامه‌های خود، همواره به این نکته تأکید می‌کرد که امامت، جایگاهی الهی است و امام، جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله در هدایت و اداره جامعه است.

جهاد تبیین در این زمینه دو شاخه اصلی دارد:

۱. تبیین مفاهیم دینی و جایگاه امامت: این شاخه شامل روشنگری درباره اصول دین، جایگاه امامت و رهبری و وظایف امام در قبال جامعه است.

۲. دفاع از جایگاه امامت در برابر تحریف‌ها و انحرافات: این شاخه شامل مقابله با کسانی است که به‌طور عمدی یا ناخواسته، جایگاه امامت را تحریف می‌کنند یا به آن حمله می‌کنند.

در دوران امام سجاد علیه السلام که مصادف با حکومت ستم‌شعار بنی‌امیه و بنی‌مروان بود، شرایط به‌حدی سخت و خفقان‌آور بود که امکان بیان صریح حقایق دینی و سیاسی وجود نداشت؛ اما